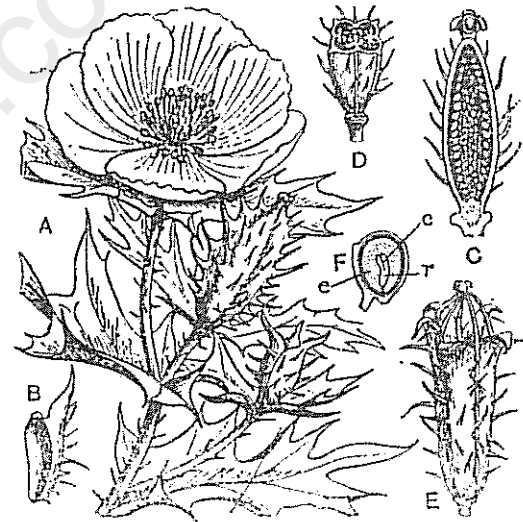


بررسی‌های Schlotterbeck نشان داد که به خلاف آنچه که شهرت دارد، سرفین در آن یافت نمی‌شود.

دانه آن دارای ۳۶ درصد ماده روغنی است.

خواص درمانی - میوه و برگ آن، اثر خواب‌آور و دانه‌اش اثر مسهلی دارد. از کلیه قسمت‌های هوائی گیاه نیز به عنوان معرق استفاده بعمل می‌آید. مصرف روغن دانه آن به عنوان مسهل به مقدار ۱۰ تا ۳ قطره معمول است. این گیاه در ایران نمی‌روید.



ش ۴۸ - *Argemone mexicana* : سرشاخه گلدار (۲/۳) - B : کاسبرگ C و D : برش طولی و عرضی مادگی E : میوه رسیده (۲/۳) F : برش طولی دانه - آندوسپرم c = لپه‌ها c = ریشه‌چه r =

Glaucium corniculatum Curt.

Chelidonium corniculatum L.

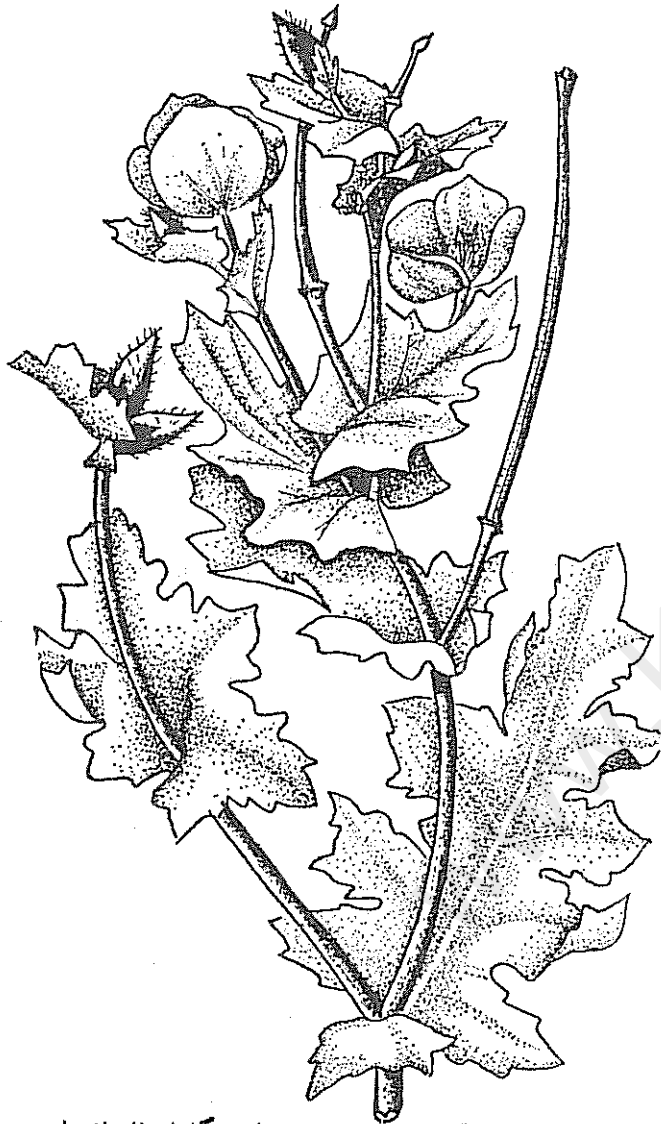
فرانسه : *Chélidoine à fleurs rouges* انگلیسی : Red horned poppy

آلمانی : *Roter hornmohn* ایتالیائی : *Papavero cornuto piccolo*

عربی : خشخاش بحری ، خشخاش مقرن ، ماسیثاء

گیاهی است علفی و یکساله که دارای برگهائی با پهنک متقسم به قطعات عمیق دندانه‌دار

و پوشیده از کرک می‌باشد. گل‌های آن به رنگ زرد نارنجی و گاهی بالک‌های ارغوانی در قاعده گلبرگها و میوه‌اش دراز و خورجین مانند است . ساقه گلدار این گیاه دارای اثر درمانی است .



ش ۴۹ - *Glaucium flavum* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

ترکیبات شیمیائی - ساقه گلدار دارای سوادی نظیر گلووسین *glaucine* ، کله ریت رین

chélyerythrine ، پروتوپین protopine ، سانگینارین sanguinarine ، سوادرزینی، پکتیکم و نوعی ماده تلخ به نام گلوکوپیکرین glucopicrine است (Reutter) .

گلووسین Glaucine (بولدین دی متیل اتر boldine dimethyl ether، بروم کولی-تین bromcholitin ، گلوونت Glauvent) ، به فرمول $C_{21}H_{25}NO_4$ و به وزن ملکولی ۳۵۴٫۲ است. نوع دکستروژیرآن، در طبیعت انتشار دارد. این ماده از گیاهان زیر به دست آمده است:

۱- *Glaucium corniculatum* Curt. از تیره Papaveraceae

۲- *flavum* Crantz. — — — — —

۳- بعضی انواع *Fumaria* و *Dicentra*

استخراج گلووسین ، توسط Fischer (1) و بعداً محققین دیگر و سنتر نوع راسمیک آن توسط Chan و Maitland و دیگران انجام گرفت (2) .

نوع راست گرد (دکستروژیر) گلووسین ، به صورت ورقه های کوچک ارتوروسبیک یا بلوریه های منشوری شکل در استات اتیل و یا اتر به دست می آید. نقطه ذوب آن در گرمای ۱۲۰ درجه می باشد. در استن، کلروفرم و استات اتیل حل می شود ولی در بنزن و آب غیر محلول است. کلریدرات و برومیدرات آن نیز به حالت متبلور به دست آمده است .

سانگینارین Sanguinarine (پزودوکلهریت رین Pseudochélyerythrine) ، به فرمول $[C_{27}H_{41}NO_4]^+$ و به وزن ملکولی ۴۳۲٫۳۴ است. از ما میران، *Sanguinaria canadensis* L. و برخی دیگر از گیاهان تیره Papaveraceae به دست آمده است (3) . مشابهت این ماده با پزودوکلریت رین نیز توسط Stichel و Gadamer در سال ۱۹۲۴ محقق شد .

سانگینارین ، به حالت متبلور در حلال آب (Stipanovic) یا اتر و یا در مخلوط کلروفرم و اتانول به دست می آید. نقطه ذوب سانگینارین متبلور در سه حلال مذکور به ترتیب در گرمای ۲۷۸-، ۲۸۰، ۲۶۶ و ۲۱۰- تا ۲۱۱ می باشد. سانگینارین در الکل، کلروفرم، استن و استات اتیل محلول است.

اسلاح آن از نظر درمانی به مقدار ۰.۳-۰.۵ گرم و چند بار در روز به عنوان خلط آور و مسکن ولی به مقدار ۰.۳-۰.۵ گرم، گاهی به عنوان قی آور به کار می رفته است (Reutter L. p. 459) .

1- Fischer, Arch. Pharm. 239, 426 (1901).

2- Chan, Maitland, J. Chem. Soc. (c) 1966, 753.

3- Schmidt et al., Arch. Pharm., 231, 145 (1893) .

خواص درمانی - قسمت هوایی این گیاه گاهی در طب عوام به عنوان مخدر و خواب آور در اطفال به صورت دم کرده یا جوشانده مصرف می شود. سابقاً از آن برای رفع بیماری قند، استفاده بعمل می آمده است .

محل رویش - این گیاه در منطقه وسیعی از نواحی شمال ایران، کوهستانهای البرز، کرچ، آذربایجان، ارومیه، چابریک، دیلمان، تفرش، خراسان؛ بین رباط سفید و تربت حیدریه. شیراز و غیره می روید.

گیاه مذکور به صورت *G. corniculatum* (L) Rudolph Subsp. *corniculatum* در بعضی کتب علمی وارد شده است .

از *Glaucium flavum* Crantz، *G. luteum* Scop. ، که گیاهی یکساله و دارای گلهای درشت و زیبا و به رنگ زردطلایی است، استفاده های درمانی مشابه *Papaver argemone* ، به عمل می آید . دارای گلووسین است.

دانه این گیاه اثر ملین دارد و دارای ۲۷ درصد روغن قابل مصرف است. سابقاً از آن برای مصارف روشنائی استفاده بعمل می آمده است.

این گیاه در نواحی جنوبی ایران : شیراز و تپه ها و ارتفاعات آن ، همچنین در منطقه آذربایجان می روید .

Chelidonium majus L.

Ch. luteum Gillb. ، *Ch. ruderale* Salisb.

فرانسه: Grande - Eclairé، H. aux verrus، Herbe de Saint claire، Chélidoine؛

انگلیسی: Greater celandine؛ آلمانی: Schoelkraut، Schwalbenkraut، Schöllkraut؛

ایتالیائی: Cenerognola maggiore ، Chelidonia maggiore ، Erba do porri ؛

فارسی: مامیران - عربی: عروق الصباغین، مامیران کبیر

گیاهی علفی، پایا، به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر و دارای برگهای منقسم به ۵ تا ۷ قطعه پهن و دنداندار است. بر روی دیوارها، نقاط متروک، اماکن سایه دار، حاشیه جاده ها و نواحی مجاور آبادیها می روید. در تابستان گل می دهد.

گلهای آن به رنگ زرد و مجتمع به صورت چتر ساده و میوه اش باریک و دراز است. در تمام گیاه، شیرابه ای به رنگ زرد نارنجی جریان دارد.

کلیه قسمتهای گیاه و شیرابه آن مصارف درمانی دارد. ریشه آن مؤثرتر از سایر قسمتها بنظر می رسد.

ترکیبات شیمیائی - مامیران دارای الکلوئیدهائی است که بعضی از آنها اثرسمی دارند. این الکلوئیدها عبارت از کلیدونین chelidone ، همو کلیدونین homochelidone ، کله ریت رین chelerythrine ، سانگینارین sanguinarine و پروتوپین protopine است.



ش . ۵ - Chelidonium majus : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

مواد دیگری نظیر موسیلاژ، مواد رزینی، پکتیکی، یک ماده رنگی بنام کلیدوگروانین chelidoxanthine، بربرین، اسید کلیدونیک ac. chelidonique، اسیدهای آلی دیگر، اسلاح معدنی مخصوصاً فسفاتهای کلسیم منیزیوم و آمونیوم نیز در مامیران وجود دارد. کلیدونین Chelidone (استیلوفورین stylophorin، دی فیلین diphylline)،

به فرمول $C_{17}H_{19}NO_5$ ، به وزن ملکولی ۳۵۳٫۳۶ و از گیاهان مختلف تیره خشخاش و شاه تره مانند انواع زیر به دست آمده است (1) :

Papaveraceae	از تیره	Chelidonium majus L.	۱- ریشه
—	—	Stylophorum diphyllum (Michx.) Fedd.	۲-
—	—	Dicranostigma franchetianum (Prain) Fedd.	۳-
Fumariaceae	—	Corydalis formosa Spreng.	۴-

فرمول منبسط آن توسط Bruchhausen و Bersch تعیین (2) ویوستترآن توسط Leete عملی گردید (3). کلیدونین، به صورت بلوریهایی سوزنی شکل (Reutter) یا منشوری منشوکلینیکی (فرم ۴) در متانول و یا اتانول و یا مخلوط اتانول و کلروفرم به دست می آید. در گرمای ۱۳۵ تا ۱۳۶ درجه ذوب می شود. در اثر کلروفرم و همچنین الکل اتیلیک حل می گردد. ولی در آب غیر محلول است.

کلیدونین از نظر درمانی، اثر زیاد کننده ترشحات صفرا (Choleretique) دارد.

کله ریت رین Chelerythrine (تودالین todaline) ، به فرمول $[C_{17}H_{19}NO_5]^+$ است و از ریشه مامیران توسط محققین مختلف استخراج شده است (4). کله ریت رین، در مخلوط کلروفرم و متانول به حالت متبلور به دست می آید. در گرمای ۲۰۷ درجه ذوب می شود.

پروتوپین Protopine (فومارین fumarine، ماکله بین maclefine) ، به فرمول $C_{17}H_{19}NO_5$ و به وزن ملکولی ۳۵۳٫۳۶ است. از تریاک توسط Hesse (5) و از بعضی گیاهان تیره های Papaveraceae و Fumariaceae مانند دو نوع زیر به دست آمده است :

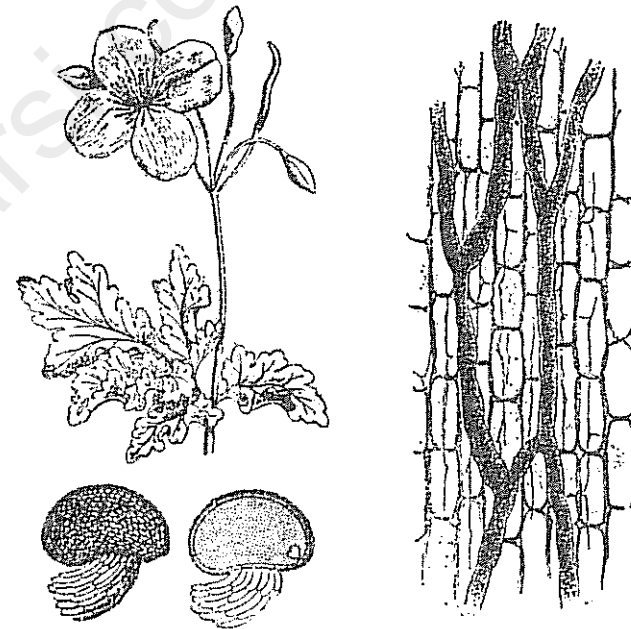
Fumariaceae	از تیره	Fumaria officinalis L.	الف -
Papaveraceae	—	Chelidonium majus L.	ب -

- 1- Schmidt , Selle , Arch. Pharm. 228 , 441 (1890).
- 2- Bruchhausen , Bresch , Ber. 63 , 2520(1930).
- 3- Leete J. Ann. Chem. Soc. 85 , 473 (1963).
- 4- Kratzmann , Pharm. Monatsh , 5 , 161 (1924) , C.A. 18 , 34062 (1924).
- 5- Hesse , Ber. 4 , 693 (1871).

پروتوپین، از گیاهان دیگر تیره‌های مذکور نیز استخراج شده است. سنتزان توسط Perkin و Haworth عملی گردید (1).

پروتوپین، به صورت بلورهای منشوری متوکلینیک، در مخلوط الکل و کلروفرم به دست می‌آید. در گرمای ۲۰۸ درجه ذوب می‌شود. در ۱ قسمت کلروفرم، ۹۰۰ قسمت الکل و ۱۰۰ قسمت اتر حل می‌گردد. در بنزن، استات اتیل، سولفورکربن و اتر دویترول به مقدار بسیار کم محلول است. در آب قابلیت انحلال ندارد.

کلریدرات آن، به صورت بلورهای منشوری شکل به دست می‌آید.



ش ۱ - شاخه گلدار ماسیران - دانه ویرش طولی آن - نمایش سجاری لاتکس کله ریت رین و ساتگینارین، دارای سمیت زیاد و اثر تحریک کننده اند.

خواص درمانی - ماسیران به مقداریر درمانی، اثر مدره، مسهلی، آرام کننده، مخدر، ضد تشنج، پائین آورنده فشارخون، صفرابر، تصفیه کننده خون و دفع کرم در مصارف داخلی دارد. در استعمال خارج، قرمز کننده پوست بدن، تاول آور و بهبود دهنده زخم های سطحی بدن است. مقدار زیاد ماسیران در مصارف داخلی، سمی می باشد و ممکن است حتی موجبات سرگ را

فراهم سازد.

از ماسیران، سابقاً برای مصارف عدیده نظیر آب آوردن، ققرس، سنگ کلیه، ضعف مغز، تب های تویه، زردی (Jaunisse)، التهاب کبد همراه با زیاد شدن حجم آن، انسداد کیسه صفرا و غدد لنفاوی استفاده بعمل می آمده است.

اثر ضد تشنج ماسیران، موجب توصیه مصرف آن در آنژین دوپواترین، آسم، انقباضات ایاف ماهیچه ای معده و اختلالات مربوط به تشنج ماهیچه های صاف گردیده است (J. P. Hanzlik در سال های ۱۹۱۴ و ۱۹۲۰). مصرف آن اگر همراه بارازک باشد در تسکین دردهای سرطانی معده در حالات بحرانی، مؤثر ذکر شده است. ضمناً Hanzlik معتقد است که کلیدونین را از نظر ترکیب شیمیائی و اثر فیزیولوژیکی باید ماده ای مجاور پاپاورین دانست.

مطالعات مختلف نشان داده است که ماسیران در رفع تحریکات مغزی، در مبتلایان به هیستری و اشخاص مبتلا به ضعف قوای دماغی که از بی خوابی، اضطراب و غیره رنج می برند و همچنین در تصلب شرائین مغزی، داروی خوبی بشمار می آید (D. R. Capla در سال ۱۹۳۶). در موارد مذکور، مصرف گرد یا دم کرده ۲ تا ۳ گرم ماسیران، هنگام شب توصیه شده است. برای ماسیران، اثرات مفید در درمان آنژین دوپواترین (خفقان صدری) ذکر شده است (Valnet J. Phythoth. p.308 - 1979).

در استعمال خارج، جوشانده برگ یا شیر تازه آن که به صورت بسیار رقیق در آب مقطر تهیه شده باشد، در رفع ورم مزمن کره چشم، اثرات مفید و خوب داده است. از قدیم الایام مصرف آن برای رفع ورم پلک و بیماریهای دیگر چشم بین مردم معمول بوده است.

با مالیدن شیر ماسیران به صورت خالص یا مخلوط در آب و همچنین با قرار دادن ریشه تازه و له شده آن بر روی زخم های چرکین یا خنازیری و یا زخمهایی که بر اثر فقدان ویتامین C حاصل می شود، حالت بهبود و التیام در آنها بوجود می آید. شیر گیاه، اثر مفید در رفع بیماریهای جلدی نظیر سودا دارد.

اگر شیر گیاه بر روی میخچه یا یا زگیل مالیده شود موجب از بین رفتن آنها می گردد. این عمل در بین غالب مردم در طب عوام معمول می باشد.

صورت دارویی - ماسیران را باید در نهایت احتیاط در مصارف درمانی بکاربرد زیرا مصرف بی رویه آن ایجاد مسمومیت می نماید. از این نظر جز به اندازه هائی که در مصارف درمانی تعیین می گردد نباید بکار رود.

جوشانده یا دم کرده ۵ تا ۳۰ در هزار برگ خشک شده مامیران، به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا. جوشانده ۱۰ تا ۱۵ در هزار آن به مقدار یک فنجان و چند مرتبه در ۲ ساعت شیره تازه آن به مقدار ۵۰ گرم مخلوط در شیر یا شربت قند و یا در یک تیزان - گرد ریشه به مقدار ۲ تا ۴ گرم مخلوط در عسل به صورت حب - شراب حاصل از دم کرده ۱۵ تا ۵۰ گرم ریشه در یک لیتر شراب سفید به مقدار یک لیوان در صبح به عنوان مدر و ملین و تنطوری شیره تازه آن که به تنطوری Radmacher موسوم است، در رفع بیماریهای کبدی و سینه بکار می رود. برای تهیه این تنطوری، شیره تازه گیاه را با مقدار مساوی الکل ۳۳ درجه در یک ظرف به مدت ۸ روز قرار می دهند سپس آنرا صاف کرده در مواردی که بیمار مبتلا به شکم روشن نباشد، ۴ گرم این تنطوری را با ۱۵ گرم صمغ عربی و ۲۲۵ گرم آب مخلوط نموده به مقدار یک قاشق غذاخوری در هر ساعت به مریض می دهند ولی اگر حالت اسهالی در بیمار موجود باشد، یک گرم این تنطوری را با ۳۰ گرم روغن خشخاش، ۳۰ گرم صمغ عربی و ۲۲۵ گرم آب مخلوط کرده، یک قاشق در هر ساعت به بیمار می دهند.

مقدار مصرف عصاره مامیران در مصارف داخلی ۲۰ گرم تا یک گرم در ۲۴ ساعت است. که نباید از آن مقدار تجاوز کنند. به صورت کولیر نیز، محلول ۴ در صد آن در آب مقطر مصرف دارد.

در استعمال خارج بیشتر شیره تازه گیاه بکار می رود. صور دارویی متعددی از مامیران به حالت خالص یا مخلوط با گیاهان و فراورده های دارویی دیگر وجود دارد که به ذکر چند مورد از آنها مبادرت می شود:

۱- عصاره مامیران و گلیسرین به نسبت مساوی اگر مخلوط شود در رفع میخچه انگشتان پا و زگیل، به صورت مالیدن بر روی عضو، مؤثر واقع می شود.

۲- شیره تازه مامیران که رنگ زرد نارنجی دارد نیز برای از بین بردن میخچه انگشتان پا، زگیل و همچنین درمان سوداء و نظایر آن، بر روی عضو اثر داده می شود.

۳- کولیر مامیران که از ۴ گرم شیره تازه و ۱۰۰ گرم آب مقطر گل سرخ تهیه می شود، به صورت چکاندن ۱-۲ قطره در چشم، جهت درمان خراش و زخم پلک ها می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۴- جوشانده گیاه به صورت شستشوی چشم (حمام چشم)، جهت رفع ورم ملتحمه و بطور کلی رفع التهاب قسمت داخلی پلک ها.

نسخه - جهت پائین آوردن فشار خون شریانی (L. Ebstein - Dr. H. Leclerc)

عصاره مامیران	۵۰ گرم
— غافق (Eupatorium Cannabinum)	۲۵۰ گرم
— شاه تره (Fumaria officinalis)	از هر یک
— حلجوب (Hieracium pilosella)	۳ گرم
— سیاه توسکا (Frangula Alnus)	از هر یک
گلیسرین	۴۰ گرم
آب به مقدار کافی تا	۲۰۰ میلی لیتر

به مقدار یک قاشق دسر خوری قبل از غذای ظهر و شب جهت رفع اسپاسم عروق خونی (Angiospasme) که نتیجه اش نرسیدن و یا کم رسیدن خون به عضو و بالا رفتن فشار خون است و همچنین بمنظور پائین آوردن فشار خون شریانی می تواند مصرف شود.

در فرمول مذکور، همه گیاهان آن در ایران می رویند با ستنای گیاه ردیف سوم (شاه تره اقی سینال) که می توان به جای آن، شاه تره دارویی موجود در ایران به نام *Fumaria parviflora* Lam. را بکار برد.

مسمومیت - مصرف مقادیر زیاد عصاره گیاه تازه و یا فراورده های دیگر مامیران، ایجاد مسمومیت می نماید و حتی دیده شده است که مویجات مرگ را فراهم می آورد. قرار دادن مقدار زیاد شیره له شده گیاه بر روی زخم های جلدی نیز مسمومیت بوجود آورده است. از این نظر، در مصرف آن باید نهایت احتیاط بعمل آید.

محل رویش - مامیران در نواحی شمالی ایران مانند گیلان: اطراف رشت (خلیل نوائی)، رودبار، عمارلو (کبوتر چاک و زردچین). گرگان: بندرگز. مازندران و نواحی دیگر می روید.

* *Hypecoum procumbens* L.

H. glaucescens Guss., *H. tetragonum* Bertol.

فرانسه: Hypécoum, Cumin cornu, Hypécon انگلیسی: Horned cumin

آلمانی: Pfeffer kümmel, Hornkümmel ایتالیائی: Cornaccio de grani

عربی: جهیره (Gahirah)، اوفیقوون (ufiqûn)

گیاهی علفی و دارای ساقه شیاردار، کم و بیش خوابیده و منشعب از قاعده است. برگهائی با بریدگیهای باریک و نوک تیز دارد بطوری که هر قدر به قسمت بالای ساقه نزدیکتر شود، تقسیمات برگها، کم و کوچکتر می‌گردد. گلهائی به رنگ زرد روشن و مجتمع به صورت گرزن دارد. میوه اش قوسی شکل، به طول ۲ تا ۴ سانتیمتر و دارای ظاهر خورجین مانند می‌باشد. سطح خارجی سیوه نیز پس از رسیدن، دارای برجستگیهای مشخص می‌گردد.

در نواحی گرم آسیا و اروپا مانند پاکستان، پیشاور، احتمالاً در ایران (بلوچستان) و منطقه مدیترانه پراکندگی دارد.

خواص درمانی - برای شیره این گیاه، خواص درمانی مشابه تریاک ولی با اثر ضعیف تر قائل اند. برگ آن معرق است (Murray). در بعضی نواحی از آن به عنوان مقوی و اشتها آور استفاده می‌گردد.

در تیره خشخاش، انواع سفید دیگری نیز یافت می‌گردد که بیشتر در طب عوام از آنها استفاده بعمل می‌آید. ازین این گیاهان به ذکر چند نمونه غیر موجود آنها در ایران به شرح زیر مبادرت می‌شود:

Meconopsis nepalensis DC. گیاهی علفی و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۰٫۵

تا ۱ متر، برگهای منقسم و گلهائی به رنگ ارغوانی تیره یا آبی رنگ است. در هند و نپال می‌روید. اثر مخدر دارد و در بعضی نواحی هند و کشمیر به عنوان خواب آور مصرف می‌گردد.

Meconopsis aculeatus Royle. گیاهی کوچک و علفی، به ارتفاع ۳ تا ۶

سانتیمتر و دارای برگهائی با بریدگیهای نامنظم و گلهای درشت به رنگ آبی ارغوانی یا سرخ و یا آبی مایل به خاکستری است.

ریشه اش اثر مخدر و سمی دارد.

Bocconia frutescens L. گیاهی است که در مکزیک می‌روید و در اعضای

آن الکلوئید هائی نظیر فومارین، کلیدونین و کله ریت رین Chelerythrine یافت می‌شود. شیرابه زرد رنگ آن، اثر محرک و مسهلی دارد و به عنوان دفع کرم نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Bocconia cordata Willd. در ژاپن می‌روید ولی در امریکای شمالی پرورش

می‌یابد. ریزوم آن دارای الکلوئید هائی مانند کله ریت رین، پروتوپین (protopine)، سانگینارین و هموکلیدونین homochelidonine است.

از جوشانده و یا عصاره آن، به عنوان مسکن استفاده به عمل می‌آید (Reutter L. p. 454).

*** Sanguinaria canadensis L.**

S. acaulis Moench., S. vernalis Salisb.

فرانسه : Sanguinaire انگلیسی : Blood - root ، Blood wort ، Red puccoon

آلمانی : Canadisches blutkraut ایتالیائی : Sanguinaria del Canada

عربی : عرق الدم، شجرة جذور الدم

گیاهی است کوچک و دارای گلهای سفید و زیبا که در کانادا و اتازونی می‌روید. در ریزوم آن شیرابه‌ای به رنگ قرمز خونی جریان دارد.

تمام قسمتهای گیاه، اثر سمی دارد. در مصارف داخلی فقط ریزوم آن که به غلط ریشه خوانده می‌شود بکار می‌رود.

قطعات ریزوم آن، رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز یا مایل به سیاه و سطح ناهموار، مرکب از حلقه‌های درشت، خشن و نامنظم دارد. اگر در سطح زبان قرار گیرد، طعم سوزاننده‌ای ایجاد می‌کند.

ترکیبات شیمیائی - ریزوم این گیاه دارای الکلوئیدهای مختلفی نظیر کلریت رین، هموکلیدونین (آلفا و بتا)، پروتوپین، سانگینارین، مواد رزینی، روغن، قندهای مختلف، صمغ و غیره است.

خواص درمانی - مقادیر زیاد آن سمی و خطرناک است بطوری که عوارضی نظیر سرگیجه، اختلالات بینائی، تهوع، قی، دل پیچه، ضعف کلی و از بین رفتن قوا، همراه با سرد شدن کلی بدن بوجود می‌آورد.

مقدار کم ریزوم آن، ترشحات مخاط دهان را زیاد و جریان خون را سریع می‌کند. اثر خلط آور و محرک ترشحات صفرا دارد.

صورت دارویی - گرد ریزوم به مقدار ۶ ر. تا ۲ ر. گرم به عنوان خلط آور و ۶ ر. تا ۳ ر.

گرم به عنوان قی آور، مصرف دارد.

به علت سمیت زیاد باید در نهایت احتیاط مصرف شود. مصرف آن امروزه چندان

معمول نیست

این گیاه اختصاصاً در امریکای شمالی، مخصوصاً در کانادا و اتازونی می‌روید. در ایران

یافت نمی‌گردد.

تیره شاتره Fumariaceae

گیاهانی عموماً علفی، بی کرک و دارای برگهائی متناوب با بریدگیهای بسیار و شامل ۱۷ گونه اند که بیشتر در نواحی مختلف کوهستانی ویا در اماکن مرطوب پراکنندگی دارند. گلهای آنها نر- ماده، نامنظم، به رنگهای سفید، سایل به قرمز، قرمز ارغوانی و یا بندرت بنفش است. در غالب آنها مخصوصاً در *Fumaria* ها، گلها به صورت گل آذین های خوشه یسا گرزنی مجتمع می باشد. در هر گل آنها، ۲ کاسبرگ زودآفت و ۴ گلبرگ دیده می شود. از مشخصات آنها این است که یکی از گلبرگهای آنها غالباً به صورت دنباله ای در آمده است. پرچم های آنها غالباً در قاعده میله ها، طوری به یکدیگر پیوستگی دارند که مجموعاً دو دسته مشخص را بوجود می آورند. هر یک از دو دسته مذکور، شامل یک پرچم کامل و دونیمه پرچم در طرفین آن است. مادگی آنها از دو پرچه تشکیل می یابد.

میوه آنها در انواع مختلف به صور متفاوت پوشیده، فندقه (*akène*) یا شفت (*drupe*) و محتوی یک دانه است.

انواع دارویی آنها به شرح زیر است:

* *Fumaria officinalis* L.

F. pulchella Salisb. ، *F. diffusa* Arn.

فرانسه : Fleur de terre ، Pied de Géline ، *F. vulgaire* ، Fumeterre

انگلیسی : Fumitory آلمانی : Erdrautenkraut ، Gemeiner Erdrauch

ایتالیائی : Pisciasangue ، Feccia ، Fiele di terra ، Fumosterno officinale

عربی : كسفرة الحمار، ساتراج

گیاهی است علفی به ارتفاع ۲۰ تا ۸۰ سانتیمتر که در مزارع، بوستانها، باغها، اماکن سایه دار و یا گودالها به حالت خودرو می روید. گونه های مشابه آن در ایران، شاه تره نامیده می شود. این گیاه، ریشه دراز سفید رنگ و ساقه کوچک، زاویه دار و به وضع نسبتاً خوابیده بر روی زمین دارد. بعضی مواقع نیز، به علت اتصال دمبرگ های خمیده آن به گیاهان مجاور، بدانها پیوستگی حاصل می کند. شاخه های متعدد این گیاه، برگهائی منقسم به تقسیمات باریک و فراوان به رنگ سبز مات یا غبار آلود و بی کرک دارد.

برگ و اعضای هوائی این گیاه به حالت طبیعی فاقد بوی باشد ولی اگر درین انگشتان فشرده و له گردد، بوی مخصوصی از آن استشمام می شود. گلهای آن کوچک، به رنگ گلی یا سفید-نقره و له گردد، بوی مخصوصی از آن استشمام می شود.



ش ۵۲ - *Fumaria officinalis* : ۱ - شاخه گلدار (اندازه طبیعی)، ۲ و ۳ - گل

و کاسبرگ در زیر ذره بین ۴ و ۵ - گلبرگهای خارجی ۶ - گلبرگ داخلی

و اندامهای جنسی ۷ - مجموعه پرچم - ۸ - مادگی ۹ - میوه (Emberger)

مایل به قرمز باخالهائی به رنگ ارغوانی یا قهوه ای و مجتمع به صورت خوشه های کم گل در قسمت انتهائی ساقه است .

میوه‌اش کوچک، کروی و محتوی یک دانه می‌باشد.

زمان گل دادن آن طولانی است بطوری که از اواسط اردیبهشت تا پائیز و حتی دیرتر، به تناسب وضع زمین و رطوبت محل رویش، گل بر روی گیاه دیده می‌شود. زراعت آن، با کاشتن دانه گیاه در فروردین ماه صورت می‌گیرد.

قسمت مورد استفاده گیاه، کلیه اندامهای آن، مخصوصاً سرشاخه گلدان است که به حالت تازه یا خشک مصرف می‌شود.

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف این گیاه، دارای سوادی نظیر سوادرزینی، اسلح معدنی مختلف، موسیلاژ، یک ماده تلخ قابل استخراج، کله ریت رین، یک اسید آلی قابل تبلور به نام اسید فوماریک ac. fumarique و الکلوئیدی به نام فومارین fumarine (پروتوین) است. اسید فوماریک = (اسید آلومالتیک lallomaleic acid، اسید بوله تیک boletic acid)، به فرمول $C_4H_4O_4$ و به وزن ۱۱۶.۷ است و از گیاهان مختلف منجمله انواع زیر به دست آمده است:

Fumariaceae	از تیره	Fumaria officinalis L.	-۱
Boletaceae	—	Boletus scaber Bull.	-۲
Polyporaceae	—	Fomes igniarius (Fr.) Kickx.	-۳

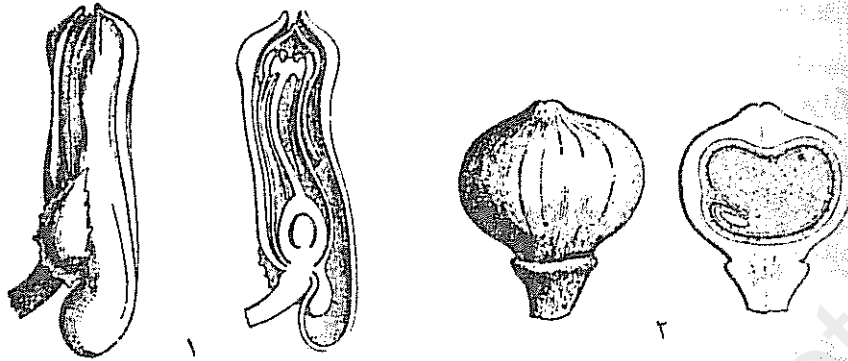
اسید فوماریک در صنعت به طرق مختلف منجمله از گلوکز، تحت اثر قارچی به نام *Rhizopus nigricans* تهیه می‌شود (۱).

اسید فوماریک در ردیف مواد ضروری برای تنفس بافت‌های گیاهی و جانوری جای دارد. اسید فوماریک به صورت بلورهای منوکلینیک، سوزنی منشوری شکل یا ورقه مانند (در حلال آب) به دست می‌آید. در گرمای ۲۰۰ درجه تصعید می‌شود. در آب سرد به مقدار خیلی کم ولی در الکل ۹۰ درجه به مقدار زیادتر حل می‌گردد. به طریقه صنعتی نیز می‌توان آنرا از اسید موکسینیک ac. succinique نیز بدست آورد. در روغن زیتون، کلروفورم، بنزن و گزین تقریباً غیر محلول است. اسید فوماریک را به جای اسید تارتریک به آشامیدنی‌ها و پودرهای تهیه خمیر نان می‌افزایند. اثر جلوگیری کننده از اکسیداسیون دارد. در صنعت برای ساختن بعضی رزین‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در رنگرزی به عنوان دندانه به کار می‌رود.

1 - Foster, Waksman, J. Am. Chem. Soc. 61, 127 (1939).

خواص درمانی - مقوی، تصفیه کننده خون، صفرابرواشتها آوراست. مصرف مقدار زیاد آن، کم کننده مقدار گلبول قرمز خون است از این نظر در موارد افزایش مقدار خون در بدن که به انسان، ظاهر برافروخته می‌دهد و همچنین در تصلب شرائین و به عنوان مدر از آن استفاده بعمل می‌آید.

اثر آن بیشتر بر روی کبد و دستگاه ترشح ادرار است. در موارد ضعف عمل دستگاه هضم، قطع غیر طبیعی قاعدگی در زنانی که به سن یائسه گی نرسیده‌اند، اشکال وقوع قاعدگی، نارسائی اعمال کبد و غیره مصرف می‌شود. مصرف آن در معالجه بیماریهای جلدی مانند سوزاء و ظهور دانه‌های تبخال مانند، اگر مدتی ادامه یابد اثر مفید ظاهر می‌نماید. نظریه دانشمندان سالهای اخیر،



ش ۳-۵ - *Fumaria officinalis*: ۱- گل و برش طولی آن ۲- میوه و برش

قائم آن (۲ و ۱ در زیر ذره بین)

در مورد تأثیر فرآورده‌های این گیاه در رفع بیماریهای جلدی، با دانشمندان زمانهای قبل تطابق دارد و حتی امروزه عقیده دارند که مصرف این گیاه، پوسته‌های سفید مانند را که در اکزما و Impetigo اطفال در آنها بوجود می‌آید از بین می‌برد.

Dr. H. Leclerc، پس از آزمایشهایی که بعمل آورد چنین اظهار داشت که مصرف فرآورده‌های این گیاه نه تنها گلبولهای قرمز خون را کم می‌کند بلکه چسبندگی و قابلیت انعقاد خون را کاهش می‌دهد. در کتب دارویی جدید، برای آن اثر کم کننده فشار خون نیز ذکر شده است (Valnet, J. phyto. 1979).

با بررسی‌هایی که به عمل آمده چنین نتیجه گرفته شد که در درمان میگرن، ناشی از کمتری ترشحات صفرای نیز اثر درمانی دارد بعلاوه عصاره آن که شامل همه الکلوئیدها است،

اثر جلوگیری کننده از پیشرفت بی نظمی های ضربان قلب (Antiarythmie) دارد (1) و ضمن آنکه ترشحات صفرا را در موارد کاهش آن، به حالت طبیعی برسیگرداند، از افزایش ترشحات صفرا نیز جلوگیری می کند (2).

در استعمال خارج، از له شده این گیاه به صورت ضماد، در رفع بیماریهای جلدی استفاده بعمل می آورند.

فومارین که از مواد مؤثر این گیاه است، اگر به مقدار ۰.۲ تا ۰.۳ گرم مصرف شود، اثر مفید در رفع ضعف عمل دستگاه هضم بوجود می آورد.

اسید فوماریک، در صنعت جهت تهیه الکل های پلی هیدریک (دارای بیش از دو عامل OH)، رزین ها و به عنوان دندانده (Mordant) جهت تثبیت رنگ بر روی پارچه و غیره به کار می رود.

صورت داروئی - دم کرده یا جوشانده ۲ تا ۴ در هزار گیاه تازه یا ۵ تا ۶ در هزار گیاه خشک به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا به عنوان مقوی و تصفیه کننده خون به مدت ۸ روز (پس از خاتمه ۸ روز، مدت ۱۰ روز باید مصرف آنرا قطع کرد و مجدداً تکرار نمود) ولی اگر به عنوان آرام کننده و کاهش دهنده گلبول های قرمز خون بدن بکار رود باید به مقادیر زیادتر، در مدت سه هفته مصرف شود.

شیره تازه گیاه به مقدار ۳ تا ۱۰ گرم به صورت خالص یا مخلوط در شیر بریده بکار می رود. شربت آن که از جوشانده ۶ در هزار گیاه و افزودن ۸ گرم قند بدان، بدست می آید (مدت جوشیدن نیم ساعت) نیز از صور دیگر مصرف این گیاه در مصارف داخلی است.

در استعمال خارج، جوشانده ۶ در هزار یا قویتر آن بکار می رود.

این گیاه در ایران نیست ولی گونه های دیگری از آن به شرح زیر، تحت نام شاه تره وجود دارد که در طب ایرانی به مصارف درمانی متعدد شبیه گیاه مذکور می رسد:

Fumaria parviflora Lam.

انگلیسی: Fine-leaved Fumitory هندی: Shahtara، Pitpapada

فارسی: شاه تره - عربی: شاتراج (Shatarâg)، ساتراج (Satarâg)

گیاهی علفی و دارای ساقه نسبتاً قوی است. برگهای کم و بیش سبز، غبار آلود و متقسم

1 - Moniteur des pharmacies et des Laboratoires, 1524 - 10. 7. (1982).

2 - Delaveau P., Actualités pharmaceutiques, N. 172 - (1980).

به بریدگیهای نازک و باریک و کوتاه دارد. گلهای آن به رنگ سفید، بندرت صورتی، مجتمع به صورت خوشه های کوتاه و میوه اش مدور، بیضوی و به قطر ۲ میلی متر می باشد. در نواحی مرطوب و کنار جریانهای آب غالب نواحی ایران، افغانستان و بطور کلی برخی نواحی جنوبی آسیا و هیمالیا می روید.

کلیه قسمت های گیاه به مصارف درمانی می رسد.

خواص درمانی - خلط آور، مدر و معرق است. در رفع بیماریهای پوستی و جذام و برخی توبوره های سرطانی (H. Schultz در ۱۹۲۹ میلادی) اثرات مفید ظاهری می کند. بعلاوه اثر مقوی معده و تصفیه کننده خون دارد. مصرف آن استفراغ را متوقف می سازد. برای گیاه خشک، اثر مدر، اشتها آور و معرق قائل اند و از آن برای رفع بیماریهای پوستی استفاده بعمل می آورند (Baden - Powell).

در ایران از کلیه قسمتهای گیاه نوعی آب مقطر تهیه می شود که تحت نام عرق شاتره به مصارف درمان بیماریهای پوست می رسد. بعلاوه از آن به عنوان تصفیه کننده خون، استفاده بعمل می آید. در اروپا به منظور رفع ناراحتی های هضمی و به عنوان هضم کننده غذا، اشتها آور و ضد اسکوربوت مصرف می شود.

محل رویش - این گیاه در مناطق مرطوب و نیمه مرطوب وسعت پهناوری از نواحی شمالی ایران مانند گیلان، مازندران، گرگان، آذربایجان، فارس، شیراز، کازرون، جزیره خارک، کرمان، بم، جیرفت، خراسان: مشهد در ارتفاعات ۹۰۰ متری، کپه داغ، بالای قوچان، ۵ کیلومتری فریمان، شرق نیشابور. اطراف تهران: ورامین، چهارمحال و غیره می روید. از انواع مفید دیگر آن در ایران، گیاه زیر است:

Fumaria indica Pugsley، *F. vaillantii* Var. *indica* Hauskn.، گیاهی

علفی، کوچک و دارای ساقه راست یا منشعب از قاعده می باشد. برگهایی با بریدگیهای بسیار و متقسم به تقسیمات کوچک و باریک دارد. گلهای گلی رنگ آن به صورت خوشه های کوچک و مرکب از ۱۵ تا ۲۰ گل در طول ساقه ظاهری می شود. میوه اش تقریباً مدور، کوچک و به قطر ۲ میلی متر می باشد. در ایران، افغانستان، هند و مغولستان می روید.

خواص درمانی - اختصاصات درمانی این گیاه شبیه گیاه قبلی است. اثر معرق و اشتها آور

دارد.

محل رویش - کرمان، خراسان: ازبگو، ۶ کیلومتری مشرق تهران در ارتفاعات ۵۰ متری، دماوند و آبسرد.

شاه تره ایران، مخلوطی از گیاهان فوق و گونه های مختلف دیگر است و چون بعضی از آنها مخصوصاً *F. vaillantii* Loisel. که گل های ارغوانی مشخص و طعمی تلخ دارد، فاقد اثر درمانی می باشند از این نظر در مصرف شاه تره، برای آنکه خواص درمانی مفید آن ظاهر گردد باید توجه شود که با نمونه های کم خاصیت مخلوط نگردد. در نواحی شمال ایران، از گیاه اخیر نیز به عنوان معرق و تصفیه کننده خون استفاده بعمل می آید.

جمع آوری شاه تره ها از اردیبهشت تا سپتامبر که گیاه دارای گل و برگ است، صورت می گیرد. برای خشک کردن، آنها را بر روی پارچه ای می گسترانند و یا بر روی سیم های نازک آهنی بحالت آویخته جای می دهند و در جریان هوا یا گرمای خورشید خشک کرده سپس در ظروف سربسته نگهداری می کنند.

گیاه اخیر در گرگان، خراسان، نیشابور، اخلمد، شیروان، گیلان، رودبار می روید. از بین گونه های مختلف *Corydalis*، انواع مفید زیر که هیچیک در ایران نمی رویند قابل ذکر است:

* *Corydalis sodida* Sw.

F. bulbosa L. *Var. sodida* L.، *C. bulbosa* auct.

فرانس: *Bec d'oe*، *Damotte*، *Poulette*، ایتالیائی: *Fumosterno bulboso*

این گیاه و گونه *Corydalis cava* (L.) Sch. et Kör.، *C. tuberora* DC. (۱) دارای نام های غیر علمی مذکور و اختصاصاتی به شرح زیر است:

گیاهانی کوچک و علفی و دارای غده زیر زمینی با ظاهر متفاوت می باشند بطوری که گیاه اول، دارای غده مدور و توپرولی گونه دوم دارای غده میان تهی است بعلاوه گیاه اول ساقه باریک و نازک و دیگری ساقه با مقاومت تر دارد. هر دو نوع مذکور در بهار گل می دهند و در اراضی حاصلخیز، جنگلها، حاشیه مزارع، بوستانها و غیره در هر زمینی اعم از آهکی یا رستی-سیلیسی یافت می گردند. گل های آنها به رنگ صورتی یا مایل به سفید است و اغلب در باغها به علت آنکه گل های زودرس دارند، پرورش می یابند. در غالب نواحی مرکزی و جنوبی اروپا نیز پراکنندگی دارند. در ایران نمی رویند. اعضای هوایی و حتی غده های زیر زمینی گیاهان مذکور، به علت داشتن مواد مؤثر، سابقاً به مصارف داروئی می رسیده است.

۱- این گیاه در بعضی از کتب داروئی به نام *C. bulbosa* DC. وارد گردیده است.
(Merck Index, N.2522, 1979).

ترکیبات شیمیائی - دارای الکلوئیدها و مواد مؤثری مانند کوریدالین *corydaline*، *dehydrocorydaline*، کوری بولبین *corybulbine*، ایزو کوری بولبین *isocorybulbine*، و موادی از گروه آپورفین مانند کوری توبه رین *corytuberine*، کوریدالین *corydine*، بولبو کاپنن *bulbocapnine* و همچنین ترکیبات دیگری به نام کوریکاوین *corycavine*، کوریکاوامین *corycavamine* و کوریکاویدین *corycavidine* است. بررسی های علمی در مورد سه ماده اخیر هنوز به مرحله قطعی نرسیده است. علاوه بر ترکیبات مذکور، مواد رزینی، بکتیکی، پروتوئین و غیره نیز در اعضای گیاهان مذکور یافت می شود.

کوریدالین، جسمی به فرمول $C_{27}H_{47}NO_5$ و به وزن مولکولی ۴۴۹٫۰۶ است. فرم راست گرد (دکستروژیر) آن به صورت بلورهای منشوری شکل در الکل بدست می آید. طعمی تلخ دارد و در گرمای ۱۳۰ درجه ذوب می شود. در آب غیر محلول است. در الکل به مقدار کم و در اتانول و کلروفرم به مقدار زیاد تر حل می شود.

کوریدالین، علاوه بر گیاه مذکور از *Corydalis aurea* Willd. نیز به دست آمده است (1). کوری کاوین فرم راسیمیک کوری کاوامین است و به صورت ورقه های کوچک از تورومبیک در الکل به دست می آید. در گرمای ۲۲۲ درجه ذوب می شود. در آب تقریباً غیر محلول است. در الکل مطلق و کلروفرم حل می شود. در مقابل نور ناپایدار است.

کوری کاوامین، به فرمول $C_{21}H_{31}NO_5$ و به وزن مولکولی ۳۶۷٫۳۹ است و از *Corydalis cava* (L.) S. kör. استخراج گردید (2). به صورت سیله های باریک رومبیک (Rhombic) در اتروالکل و یا گرد سفید و متبلور به دست می آید. نقطه ذوب آن، گرمای ۱۴۰ درجه است. در درجه گرمای نقطه ذوب، به صورت کوری کاوین تغییر شکل می دهد. در الکل و کلروفرم حل می گردد. فرم راسیمیک آن که کوری کاوین *corycavine* نامیده می شود به صورت ورقه های کوچک در الکل به دست می آید. در گرمای ۲۱۸ درجه ذوب می شود.

کوری کاویدین، به فرمول $C_{27}H_{47}NO_5$ ، به وزن مولکولی ۴۴۹٫۰۶ است. از گیاه مذکور (*C. cava*)، توسط *Gadamer* استخراج شده است. سنتز فرم راسیمیک آن توسط *Govindachari* و *Rajadurai* در سال ۱۹۵۷ عملی گردید.

کوری کاویدین، به حالت متبلور در متانول به دست می آید. در گرمای ۲۱۲ درجه ذوب می شود. در مقابل نور، ناپایدار است. در گرمای نقطه ذوب به صورت راسیمیک در می آید. فرم راسیمیک

1- Manske, Can. J. Res. 16B, 81 (1938).

2 - Gadamer et al., Arch. Pharm. 240, 81 (1902).

آن به صورت بلورهای منشوری شکل در اثر به دست می آید. در گرمای ۱۹۴ درجه ذوب می شود. **کوری بولین**، به فرمول $C_{11}H_{15}NO_2$ و به وزن ملکولی ۲۰۷ است. از گیاه مذکور (*C. cava*) استخراج گردیده است (1) بعلاوه در نوع دیگری به نام *C. platycarpa* Makino نیز یافت می شود.

کوری بولین، به صورت بلورهای سوزنی شکل در متانول به دست می آید. نقطه ذوب آن گرمای ۲۴۲ درجه است. در مقابل نور، ناپایدار می باشد. به طور ضعیف خاصیت قلیائی نشان می دهد. در استن، کلروفرم و بنزن خیلی گرم محلول است. در آب، اتروالکل به مقدار کم حل می شود. **کوری توبه رین**، به فرمول $C_{19}H_{21}NO_2$ و به وزن ملکولی ۳۲۷ است. از *C. cava* و *Dicentra formosa* (Andr.) Walp. که گیاهانی از تیره *Fumariaceae* می باشد یافت می شود. استخراج آن توسط Berger و Späth انجام گرفت (2).

کوری توبه رین به صورت فلس های و ورقه های کوچک باه ملکول آب تبلور، متبلور می شود. در مقابل نور به رنگ خاکستری در می آید. در الکل و آب خیلی گرم محلول است ولی در اتز، کلروفرم و استات اتیل به مقدار کم حل می شود. تبلورات خشک آن، سریعاً جاذب الرطوبه اند و یک ملکول آب را از هوا می گیرند.

کوری دین، به فرمول $C_{17}H_{23}NO_2$ و به وزن ملکولی ۲۹۱ است. از *C. cava* توسط Gadamer استخراج شده است. سنتران بعداً عملی گردید (3).

کوری دین به صورت بلورهای منشوری شکل چهار گوش در اثر متبلور می شود. نقطه ذوب آن، گرمای ۱۴۹ درجه است. در کلروفرم، الکل و استات اتیل به خوبی حل می شود ولی در اتز به مقدار کمتر محلول است.

بولبو کاپ لین، به فرمول $C_{19}H_{19}NO_2$ و به وزن ملکولی ۳۲۷ است. از *C. cava* و همچنین از *Dicentra canadensis* Walp. (۴) که هر دو از تیره *Fumariaceae* اندیافت می شود. استخراج آن توسط Freund و Josephi در سال ۱۸۹۲ انجام گرفت و بعداً در سال ۱۹۶۰ توسط Kikkawa منتشر گردید. بولبو کاپ لین دارای فرم های راست گرد و چپ گرد و اسمیک است که در هر سه حالت به صورت میله های باریک متبلور می شود. نقطه ذوب آنها به ترتیب در گرمای ۲۰۱

1 - Freund, Josephi, Ann. 277, 1 (1893).

2 - Späth, Berger, Ber. 64, 2038 (1931).

3 - Hey, Palluel, J. Chem. Soc. (1957) 2926,

۴ - *Dicentra* هابه تفاوت جزء تیره *Fumariaceae* یا *Papaveraceae* آورده می شوند.

تا ۲۰۲، ۲۰۳ تا ۲۰۴ و ۲۰۳ تا ۲۱۴ است. فرم راست گرد آن در آب غیر محلول ولی در الکل و کلروفرم حل می شود.

بولبو کاپ لین از نظر درمانی در معالجه لرزش و حرکات غیر ارادی ناشی از انقباض های متناوب، ماهیچه های متقابل به کار می رود.

ابزو کوری بولین، به فرمول $C_{11}H_{15}NO_2$ و به وزن ملکولی ۲۰۷ است. از *C. cava* توسط Gadamer استخراج گردیده است. این ماده به صورت ورقه های نازک متبلور می شود. نقطه ذوب آن، گرمای ۱۷۹-۱۸۰ است (گرمای ۱۸۷-۱۸۸ نیز گزارش شده است). در الکل و اسیدهای رقیق حل می شود.

خواص درمانی - سابقاً در طب عوام به عنوان مسکن و مخدر، به صورت جوشانده یاد کرده مصرف داشته است.

برای غده های زیر زبانی آنها، اثر ضد عفونی کننده، ضد کرم، قاعده آور و تب بر قائل بوده اند. مصرف اعضای این گیاهان امروز متروک گردیده است.

کوری دین، دارای اثر مخدر است و از نظر فیزیولوژیکی می توان آنرا کمی مشابه سرفین دانست ولی اثر زیان بخش، بر روی ماهیچه های قلب ظاهر می سازد.

کوری بولین و کوزی کاوا لین اثراتی مشابه ماده قبلی دارند. بعلاوه ماده اخیر یعنی کوزی کاوا لین اگر به مقدار زیاد بکار رود، نوعی انقباض صرع مانند ایجاد می نماید، بدون آنکه رفلکس های قلب را افزایش دهد.

بولبو کاپ لین، بعلاوه ترشحات غدد لاکریمال و بزاق را ضمن کاهش اعمال تنفس، افزایش می دهد. در هر حال در مورد خواص درمانی و اعمال فیزیولوژیکی مواد مذکور چنین باید اظهار داشت که چون هنوز بررسی های علمی کاملی بر روی آنها بعمل نیامده نمی توان اظهار نظر قاطع ارائه نمود.

هیچیک از دو گیاه مذکور در ایران نمی رویند.

از گونه های سفید و غیر موجود این گیاهان در ایران به ذکر نمونه های دارویی زیر سبادت می شود:

۱- *Gorydalis lutea* (L.) DC.*، گیاهی زیبا و دارای گل هایی به رنگ زرد طلائی است. در کنار دیوارها و اماکن سایه دار می روید. در فاصله ماه های اردیبهشت تا اوایل پائیز گل می دهد. طعم تلخ دارد و سابقاً به مصارف درمان تقرس می رسیده است.

۲- *C. Govaniana* Wall. *، ساقه‌ای به ارتفاع ۳۰-۶۰ سانتیمتر دارد. در هیمالیا می‌روید. برای ریشه‌اش اثر مقوی و مدر قائل‌اند.

در بعضی از گیاهان تیره شاه‌تره منجمله *Dicentra cucularia* (L.) Bernh. *، تعداد زیادی از *Corydalis* ها و همچنین در *Aldumia fungosa* (Ait.) Greene، الکلوئیدی به فرم راست‌گرد (دکستروژیر) به نام بی‌کو کولین *bicuculine* یافت می‌شود که به حالت خالص و به صورت ورقه‌های کوچک و دراز، در مخلوط کلروفورم و متانول به دست می‌آید. در گرمای ۲۱۰ درجه ذوب می‌شود. در بنزن، کلروفورم و استات اتیل محلول است ولی در الکل اتیلیک و اتر به مقدار کمتر حل می‌شود (Merck Index, N. 1227, 1976).

تیره شب‌بو Cruciferae

تیره بزرگی از گیاهان گلدار جداگلبزرگ و دارای نمونه‌های فراوان در ایران است ولی با همه فراوانی و پراکندگی که در نقاط مختلف کره زمین دارد، انواع دارویی مهم در بین آنها یافت نمی‌شود. مجموعاً شامل ۳۰ جنس و . . . گونه‌اند که بیشتر در مناطق سرد و معتدله نیمکره شمالی فراوانی دارند.

بعضی از این گیاهان در هر آب و هوایی یافت می‌گردند و به همین علت نیز آنچنان پراکندگی حاصل کرده‌اند که حتی در دور افتاده‌ترین نقاط کره زمین می‌توان آنها را یافت. برعکس عده‌ای از آنها بر اثر سازش با محیط‌های خاص، همیشه در شرایط آب و هوایی مشخص بسرمی‌برند. بیشینه انتشار آنها در آسیا و منطقه مدیترانه است.

از اختصاصات این گیاهان آن است که عموماً علفی هستند. بندرت در بین آنها نمونه‌هایی با اعضای چوبی شده می‌توان یافت. برگ‌های آنها غالباً ساده و گل‌های آنها نر- ساده و شامل ۴ کاسبرگ، ۴ گلبرگ و ۶ پرچم است. دوتا از پرچم‌های آنها کوچک و ۴ تای دیگر بزرگ می‌باشد (Tétradynamie). هر دو نوع پرچم این گیاهان، در محدودی از آنها، تغییرات نسبتاً محسوس نشان می‌دهد بطوری که به علت عدم رشد ۲ پرچم کوچک، ممکن است گل دارای ۴ پرچم بزرگ بنظر برسد و یا آنکه پرچم‌های بزرگ اصولاً تغییرات مختصری حاصل نمایند. مادگی آنها شامل ۲ پرچه پیوسته به هم است و از اتحاد آنها، تخمدانی فوقانی و یک‌خانه بوجود می‌آید. سیوه آنها به دو صورت خورجین (Silique) و یا خورجینک (Silicule) است که در غالب آنها با ۴ شکاف طولی باز می‌شود.

در سیوه‌های سیلیک، طول سیوه از ۳ برابر عرض آن بیشتر است مانند شب‌بو ولی در سیوه‌های سیلیکول، طول سیوه از ۳ برابر عرض آن کمتر می‌باشد مانند قدومه.

در انساج مختلف بعضی از گیاهان تیره شب‌بو، گلوکزید هائی بوجود می‌آید که بر اثر هیدرولیز، اسانس گوگرد دارا از آنها نتیجه می‌شود. عمل هیدرولیز نیز بر اثر متداخله فرمان مخصوصی به نام میروزین *Myrosine* و مجاورت با آب در آنها صورت می‌گیرد. مطالعات عدیده نشان داده‌است که غالب گیاهان تیره شب‌بو دارای این فرمان در اندام‌های خود می‌باشند ولی گلوکزید مذکور فقط در معدودی از آنها یافت می‌شود.

محل پیدایش میروزین در اندام‌های این گیاهان به شرح زیر است:

در ریشه: معمولاً میروزین در پارانشیم پوستی و پارانشیم آبکشی بوجود می‌آید.

در ساقه: اختصاصاً در ناحیه ریشه‌زا (Péricycle) تشکیل می‌شود.

در برگ: اطراف دسته‌های آوندی یافت می‌گردد.

در دانه: بوضع پراکنده در پارانشیم دانه و یا در اطراف دسته‌های چوب-آبکش لپه‌ها وجود دارد.

صرف عده زیادی از گیاهان این تیره به علت وجود گلوکزید و اسانس‌های گوگرد دار در آنهاست. بر اثر وجود سمین مواد است که در تغذیه نیز بکار می‌روند و یا به مصارف درمانی می‌رسند.

بعضی از این گیاهان، دانه‌های روغن دار دارند و از آنها روغن‌های مختلف برای مصارف تغذیه، درمانی و یا صنعتی تهیه می‌گردد.

انواع دارویی این گیاهان به شرح زیر است:

Capsella Bursa-pastoris (L.) Médik.

C. polymorpha Cav. ، *Thlaspi Bursa - pastoris* L.

فرانسه : Bourse de Capucine ، Bourse à Pasteur ، Bourse

انگلیسی: Capsell ، Shepherd's purse ، Pick - purse ، Toywood

آلمانی: Täschelkraut ، Hirtentäschelkraut ، Daschkraut

ایتالیائی: Borsa di Pastore ، Erba raparina ، Erba canari

فارسی: کپسه کشمیش - عربی: کیس الراعی

گیاهی است علفی، معمولاً دو ساله و به ارتفاع ۳ تا ۴ سانتیمتر که بیشتر در آبادیها، کنار جاده‌ها

واماکنی که در آنجا سکونت وجود دارد یافت می‌گردد ضمناً در مزارع و نواحی بایر نیز فراوان می‌روید. بنظر می‌رسد که منشاء اصلی آن، برخی نواحی مدیترانه بوده‌است. وجود آن در مزارع باعث سرعت انتشار آن در نواحی مختلف کره زمین گردیده است و چون اختصاصات گیاه به نحوی است که در هر شرایطی، رشد و نمو حاصل می‌کند از این جهت در همه جای کره زمین می‌توان بدان برخورد نمود. کیسه کشیش، گلپاشی به رنگ سفید و مجتمع به صورت خوشه دارد. طول خوشه گلدار آن بر حسب آنکه گیاه در چه محلی روئیده شده باشد فرق می‌کند، مانند آنکه در زمینهای مناسب و نسبتاً مرطوب، خوشه‌های بلند ولی در اماکن ناساعد و خشک، خوشه‌های کوتاه به طول چند سانتیمتر می‌بندد. میوه‌اش سیلیکول و به شکل قلب است. قسمت مورد استفاده گیاه، کلیه اندامهای آن است.

ترکیبات شیمیائی - دارای موادی مانند تانن، اسید بورساقیک ac. bursacique، یک ماده رنگی و الکلوئیدی است که اثر درمانی گیاه بدان نسبت داده می‌شود. بعلاوه وجود کولین (Choline) (بورسین Bursine به مقدار یک درصد)، استیل کولین، تیرامین و غیره نیز در آن ذکر شده است.

خواص درمانی - کیسه کشیش را سابقاً به علت شباهت آن به گیاهانی مانند Thlaspi ها، با آنها اشتباه می‌نمودند در نتیجه تازمانی که تشخیص واقعی آن صورت نگرفت، از نظر درمانی توجهی به آن بعمل نیامد. پس از تشخیص کامل گیاه، در قرون وسطی و از آن به بعد، مصارف زیاد در طب عوام پیدا نمود بطوری که آنرا به عنوان بندآورنده خون بکار می‌بردند. در قرن ۱۶، مصرف ضماد آن در رفع التهابهای سطحی بدن و جوشانده آن در اخلاط خونی، خونرویه‌های رحمی (خونروی در فواصل قاعدگی) و کلیه خونرویه‌ها توصیه می‌گردید (Matthiol). ضمناً شیر تازه گیاه برای التیام زخمها بکار می‌رفت. در قرن ۱۸ نیز نظایر مصارف درمانی قرون قبل را برای آن قائل بودند به علاوه در این زمان، آنرا در موارد وجود خون درادراری و بی‌اختیاری دفع منی هنگام شب، بکار می‌بردند. از سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸، مخصوصاً در سالهای اخیر تازمان حاضر، کیسه کشیش مورد آزمایشهای دقیق قرار گرفت و اثر درمانی آن بطور صحیح بررسی گردید.

کیسه کشیش دارای اثر بندآورنده خون است و این اثر نیز مورد تردید هیچیک از محققین، چه در زمانهای قبل و چه در حال حاضر قرار نگرفت. مطالعات ارزنده Dr. H. Leclerc نشان داد که شیر حاصله از گیاه، در موارد خونروی در فواصل قاعدگی اثر قطعی دارد بطوری که مصرف یک قاشق قهوه خوری آن در هر ساعت، به سهولت این ناراحتی را رفع می‌نماید. در پزشکی عوام،

بطوری که اظهار شده است، مصرف حتی یک قاشق از شیر این گیاه، خونروی را قطع می‌نماید و اگر مصرف آن تا روز بعد ادامه یابد، موجبات مداوای کامل زنان را در موارد خونروی در فواصل قاعدگی فراهم می‌آورد.



ش ۴۵ - Capsella Bursa - pastoris : گیاه کامل،

گل (زیر ذره بین)

در سنین بلوغ و آغاز زمان یائسه‌گی که غالباً خونرویهائی در فواصل قاعدگی پیش می‌آید،

مصرف فرآورده‌های کیسه کشیش، اثر مفید ظاهر می‌نماید (Ehrenwall در ۱۸۸۸ و Delfel در سال ۱۹۰۱).

اثر کیسه کشیش را در موارد مذکور می‌توان شبیه *Hydrastis canadensis*، منتها خیف‌ترازان دانست. از آزمایش‌های کلینیکی که در نواحی مختلف اروپا بر روی بیماران بعمل آمده این نتیجه کلی حاصل شد که با مصرف عصاره کیسه کشیش از نظر مداوا، همان عمل در خونریزها رحمی انجام می‌گیرد، که مصرف عصاره هیدراستیس و ارگودوسگل.

مصرف کیسه کشیش در استفراغهای خونی و اخلاط خونی نیز اثری شبیه گیاهان مذکور ولی به نحو خفیف‌تر وجود می‌آورد بعلاوه در رفع خونریزهای داخلی نیز مؤثر تشخیص داده شده است. بطور کلی، کیسه کشیش از بقوی‌های قابض است و تونوس ماهیچه‌ای رحم را زیاد می‌کند. از آن می‌توان در موارد زیادی دفع، در وقوع قاعدگی و همچنین بی‌نظمی‌های وقوع آن و در التهاب رحم همراه با خونریزی، استفاده به عمل آورد. کیسه کشیش در درمان صرع و ناراحتی‌های عصبی نیز سفید واقع می‌گردد. اثر ضدخونریزی آن از قدیم الایام مورد تأیید بوده است. Bock در سال ۱۵۶۵ میلادی، در آثارش به آن اشاره کرده است. اثر درمانی کیسه کشیش بر روی رحم از زمان بقراط و Paracelse شناخته شده بود.

در زمان جنگ ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸، از کیسه کشیش به جای ارگودوسگل و هیدراستیس، استفاده به عمل می‌آمده است.

هنوز هم به‌طور قاطع نتوانسته‌اند، ماده‌ای که فعالیت درمانی گیاه را باعث می‌شود، روشن سازند. بعضی‌ها، وجود ایزومولفوسیانات را عامل مؤثر گیاه از نظر درمانی ذکر کرده‌اند ولی برخی دیگر برعکس آنرا رد نموده‌اند. عده‌ای نیز اثرات درمانی گیاه را مربوط به الکالوئیدهای آن می‌دانند (R. San Martin Cavamaça از بارسلن).

صود داروئی - دم کرده . . . گرم گیاه تازه در یک لیتر آب (مدت دم کردن ۲ ساعت) که تمام آن در طی یک روز به فواصل معین مصرف شود (در صورت عدم دسترسی به گیاه تازه می‌توان دم کرده مذکور را با ۳ تا ۵ گرم گیاه خشک در یک لیتر آب تهیه کرد). جوشانده ۳ تا ۵ گرم گیاه در یک لیتر آب و همچنین خیسانده (۱) ۱۸۰ گرم گیاه در یک لیتر شراب نیز بکار می‌رود. برای تهیه این شراب باید توجه داشت که گیاه به مدت ۸ روز در آن خیسانده شود و بعداً مقداری قند بدان افزوده گردد. مقدار مصرف آن در موارد عادی یک قاشق غذاخوری در هر ساعت است ولی اگر مصرف زیادتر آن از نظر سرعت تأثیر، ضرورت پیدا نماید می‌توان یک لیوان از شراب

۱- منظور از خیسانده، مایعی است که از خیساندن یک گیاه داروئی و یا عضوی از آن در

آب یا شراب و غیره بدست می‌آید.

مذکور را در یک دفعه بکار برد و این عمل را سه بار در شبانه روز تکرار کرد. شیر تازه گیاه نیز که بدون مداخله گرما بدست آمده باشد، به مقدار یک قاشق قهوه خوری در هر ساعت، مخلوط با شراب یا یک دم کرده غسل دار بکار می‌رود. از دیگر صور داروئی آن این است که یک قسمت از گیاه را با ۳ قسمت قند در یک هاون سائیده به صورت خمیر بکنواختی در آورند سپس به مقدار ۰ تا ۴ گرم در روز مصرف نمایند.

۱- پوسپون جهت درمان خونریزی رحمی (خونریزی در فواصل قاعدگی)

عصاره روان کیسه کشیش ۱۰ گرم
الیکسیر گاروس (۱) ۲۵ »
شربت ساده به مقدار کافی تا ۱۵۰ میلی لیتر
به مقدار یک قاشق سوپخوری در هر ۲ ساعت.

۲- جوشانده جهت استفاده در قاعدگی‌های دردناک

کیسه کشیش ۵۰ گرم
برنجاسف *Artemisia vulgaris* ۵۰ »
آب یک لیتر

مخلوط فوق را به مدت ۵ دقیقه می‌جوشانند و پس از صاف کردن به مقدار یک لیوان متوسط، به مجرد پیداشدن درد و یک لیوان دیگر، یک ساعت بعد (به مدت چهار روز قبل از وقوع قاعدگی‌های زمان بلوغ که معمولاً بابتی نظمی‌ها یا غیر کافی بودن و یا زیاد بودن مقدار دفع همراه است) مصرف می‌نمایند.

۱- فرمول الیکسیر گاروس (Elixir de Garus) و الکلاهی گاروس که در تهیه الیکسیر بد اخله دارد به شرح زیر است:

الیکسیر گاروس
الکلاهی گاروس ۱۰۰۰ گرم
وانیل ۱ »
زعفران ۵۰ »
پرسیاوشان ۲۰ »
آب بهار نارنج ۳۰۰ »
قند ۱۰۰۰ »

محل رویش - کیسه کشیش گیاهی است که در تمام نواحی ایران بدان برخورد می شود. در اطراف تهران، شمیرانات، کرج، مغرب ایران، کرمانشاه، گیلان، بلوچستان و بسیاری از نواحی البرز مانند منطقه عمارلو، ناحیه بین چرم کش و کیوترچالک، داماش و همچنین در خراسان: مشهد، نیشابور، آبشار اخلمد، جنگل گلستان، کرمان: کوه لاله زار در ۳۰۰ متری و غیره می روید.

Camelina sativa (L.) Crantz.

Alyssum sativum Scop. (*Myagrum sativum* L.)

فرانسه: *Lin bâtard*، *Sesame d'Allemagne*، *C. cultivée*، *Cameline*؛

انگلیسی: *Sesamo di Germania*؛ ایتالیایی: *Gold of pleasure*، *Camelina*؛

آلمانی: *Flaks-dotter*، *Dotterkraut*، *Echter dotter*، *Leindotter*؛

عربی: النضار (*An nudâr*)، موغرون (*Mûghrûn*)

وانیل و زعفران را در الکلی گاروس به مدت ۴۸ ساعت می خیسانند. در ظرف دیگر، پرسیاوشان را در ۰۰ گرم آب مقطر جوشان به مدت نیم ساعت دم می کنند بعداً با فشار صاف کرده قند به آن می افزایند تا بدون مداخله گرمابه صورت شربت درآید. خاتماً به شربت حاصل، خیسانده مذکور و آب بهار-نارنج را می افزایند و صاف می کنند (کد کس ۱۹۴۹).

الکلی گاروس (*Alcoolat de Garus*)

زعفران و صبرزد (<i>Aloès Socc.</i>)	۵	گرم از هر یک
Myrrhe	۳	»
دارچین سیلان	۲۰	»
میخک	۵	»
Muscade جوز	۱۰	»
الکل ۸ درجه	۵۰۰	»
آبمطر	۱۰۰۰	»

در بن ماری یک قرع، قطعات زعفران و مواد دیگر را که قبلاً به صورت نیمکوب درآورده اند جای می دهند سپس الکل را می افزایند و بخوبی می پوشانند تا به مدت ۴ روز در آن خیس بخورد بعداً صاف کرده یک لیتر آب اضافه می کنند و در بن ماری تقطیر می نمایند به طوریکه معادل ۵۰۰ گرم الکلی به دست آید.

الکلی گاروس مایعی است صاف و بی رنگ که اگر معادل ۳ برابر حجم آن، آب به آن اضافه شود نباید کدر گردد (کد کس).

گیاهی است علنی، دارای ساقه راست و کمی خشن، به ارتفاع ۰.۳۰-۱.۲ متر که منشأ اولیه آن، نواحی استپی آسیا بوده از آنجا به مناطق دیگر راه یافته است. پرورش آن امروزه به علت مصارفی که روغن دانه گیاه در نقاشی و صابون سازی دارد، در کشورهای مختلف مانند فرانسه، آلمان، سوئیس، هند و روسیه معمول است. سرعت رشد گیاه در محیط کشت مناسب بعدی است که ۳ ماه پس از کاشتن دانه، می توان از آن بهره برداری بعمل آورد. برگهای باریک و دراز آن، حالت ساقه آغوش و پهنک منتهی به ۳ زائده در محل اتصال به ساقه دارد. گلهای آن کوچک، زرد رنگ و واقع در راس انشعابات ساقه است. میوه خورجینک آن، گلابی شکل، واقع بر روی دسگل دراز و محتوی دانه های بسیار کوچک، به رنگ قهوه ای مایل به زرد یا مایل به قرمز است. پراکنندگی آن امروزه بنحوی است که در غالب مناطق ساعد اروپا، آسیا و بعضی نواحی شمالی افریقا یافت می گردد.

معمولاً از هر هکتار زمین زراعی، معادل ۱۰ تا ۱۸ هکتولتر دانه بدست می آید.

قر کیمیات شبمیائی - دانه گیاه دارای نوعی ماده روغنی معادل ۱۰ تا ۳۰ درصد است. این ماده پس از استخراج، به صورت مایعی به رنگ زرد بدست می آید. بو و طعم آن کمی شبیه بو و طعم سیر است. در حالت تازه قابل خوردن است ولی معمولاً از آن برای مصارف صنعتی استفاده بعمل می آورند. روغن مذکور از گلیسیریدهای اسیدهای اولئیک، پالمیتیک، اروسیک (*Erucique*) و لینولیک تشکیل می یابد.

خواص درمانی - از دانه گیاه می توان به عنوان ملین استفاده بعمل آورد زیرا دانه ها در مجاورت آب، مقداری مواد لعابی خارج می کنند که خود باعث سهولت دفع مدفوع و رفع یبوست می گردد. ضمناً با مصرف آن، تحریک مخاط دستگاه هضم از بین می رود. در درمان بواسیر نیز اثرات مفید ظاهر می نماید.

در استعمال خارج، اثر نرم کننده پوست بدن دارد و از آن جهت درمان ترک و شقاق پوست بدن می توان استفاده کرد و اگر با سفیده تخم مرغ مخلوط گردد و سپس بر روی سوختگیها اثر داده شود، درد و ناراحتی را تسکین می بخشد. کلیه قسمتهای گیاه نیز طبق نظر طبای قدیم، در رفع التهاب های موضعی مؤثر واقع می گردد.

چون صابون حاصل از روغن گیاه، نرمی و لطافت به پوست بدن می بخشد از این نظر مورد توجه است.

محل رویش - آذربایجان، دیلمان، خسرو، اطراف ارومیه، برخی از نواحی غربی ایران،

همدان و غیره (*Fl. Iran*).

Bunias Erucago L. *، گیاه کوچکی به ارتفاع ۳-۶ سانتیمتر و دارای ساقه‌های نسبتاً خشن و درگهای مثلث‌شکل و نوک تیز می‌باشد. میوه خورجینک وزاویه‌دار دارد. در ایران نمی‌روید. از میوه‌اش جهت رفع آب‌آوردن انساج (هیدروپیزی) و از شیر تازه گیاه به عنوان تصفیه‌کننده خون استفاده بعمل می‌آید.

Anastatica hierochuntica L.، گیاهی علفی و مخصوص نواحی خشک و بیابان است. ساقه‌های متعدد، فشرده و درهم پیچیده، واقع در سطح زمین دارد. قسمتهای هوایی آن پوشیده از تارهای ریز و فراوان است. گل‌های کوچک و میوه‌ای به صورت خورجینک دارد. از خیساندن قسمت هوایی این گیاه در آب، نوعی عصاره تهیه می‌گردد که سابقاً به عنوان قاعده‌آور مصرف داشته است.

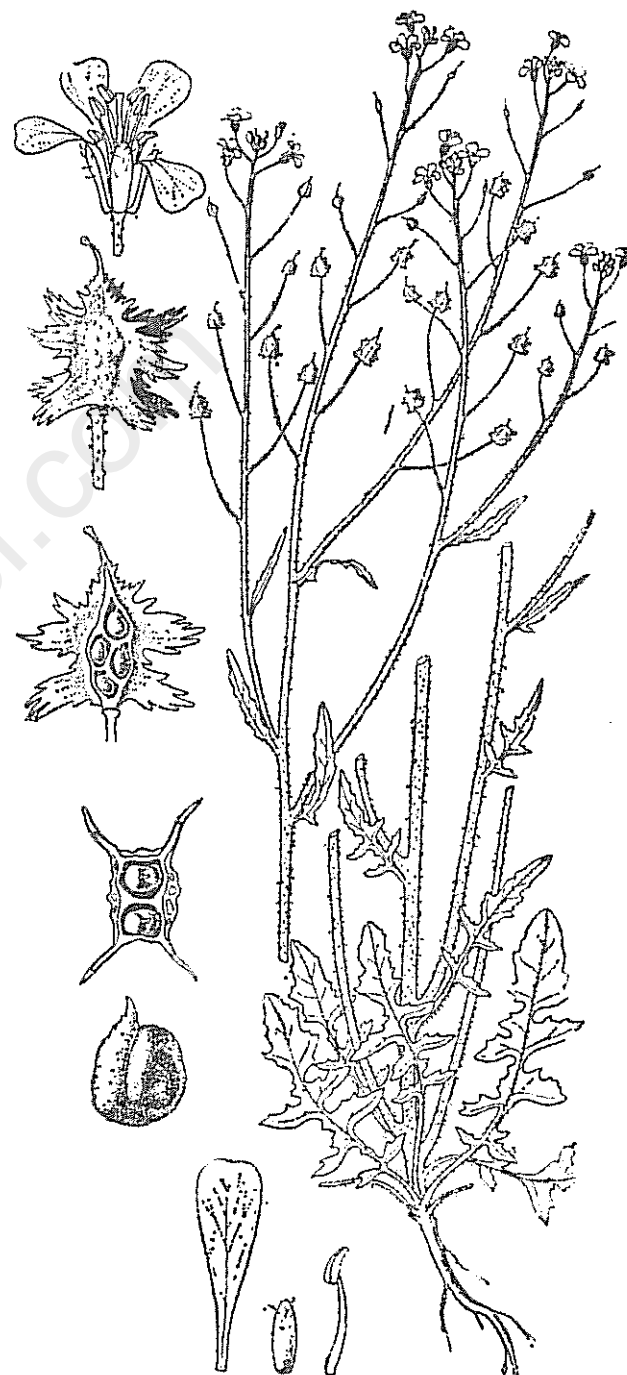
محل رویشی - بلوچستان و نواحی جنوبی ایران، لار، جزیره قشم، بین حاجی آباد و نزدیک طارم و بندرعباس.

Isatis tinctoria L.، گیاهی علفی، ۲ ساله یا پایا، پلی‌مرف، به ارتفاع ۰٫۵ تا ۱٫۵ متر و دارای گل‌هایی مجتمع به رنگ زرد زیباست. در نواحی مختلف اروپا، آسیا و احتمالاً در نقاط غربی ایران مانند کرمانشاه می‌روید. از گل‌های آن سابقاً جهت درمان یرقان و به عنوان تب‌بر در نواحی مذکور استفاده به عمل می‌آمده است.

این گیاه در ردیف انواع سولدنیل جای دارد و تشکیل ماده اخیر بر اثر تغییر شکل نوعی هتروزیده نام آنده یکان *Indican* که در بعضی *Indigofera* ها و در *Polygonum tinctorium* Ait. و غیره نیز وجود دارد حاصل می‌شود.

آنده یکان به فرمول $C_{14}H_9NO_4$ و به وزن سلکولی ۲۸۰٫۲۹ است. تحت اثر نوعی آنزیم هیدرولیز می‌گردد و گلوکز و آندهوکسیل *Indoxyle* به فرمول C_8H_7NO از آن به دست می‌آید. ماده اخیر اگر در مجاورت هوا قرار گیرد، اکسیژن هوا را تحت اثر یک اکسیداز در خود تثبیت می‌کند و از آن، ۲ سلکول آب و یک سلکول ایندهی روئین *Indirubine* به فرمول $C_{14}H_{11}NO_4$ حاصل می‌گردد که ایزوئرئیل (*Indigo*) می‌باشد (Dorv. p. 813-1982).

این گیاه از قدیم الایام مورد شناسائی مردم بوده و علاوه بر آنکه در وسعت‌های پهناوری به حالت خودرومی روئیده معهدا در بعضی کشورها مانند انگلستان، مخصوصاً در کشور فرانسه پرورش می‌یافته است. در جنوب فرانسه نیز به نام قدیمی *Guède* یا *Vouède* موسوم بوده است. در قرن ۱۰



ش ۱۰۰ - *Bunias Erucago* : دو قسمت از یک گیاه کامل - گل - میوه - نمایش دانه در میوه - برش عرضی میوه - گل، میوه، دانه، گلبرگ و پرچم در زیر ذره بین

میلادی، پرورش آن به حد اکثر رسیدولی از این تاریخ به بعد، به علت استفاده مردم از نیل، ارزش آن در اواسط قرن ۱۶ میلادی، کاهش کلی حاصل نمود (1).
اعراب، آنرا وسمه، نیل بوی و ورد النیل می نامند.



۶-۵ Isatis tinctoria سرشاخه گلدار و ساقه برگدار (اندازه طبیعی)
میوه و گل عاری از پوشش

Lepidium sativum L.

فرانسه : Cresson des jardins ، Cresson alénois ، Passerage du jardin
انگلیسی : Gatrenkresse ، Kresse: آلمانی Nose - smari ، Garden cress
ایتالیائی : Agretto Cerconcello ، Crescione dei giardini ، Nasturcio
فارسی : شاهی ، ترقمیزك ، ككج (kakadj در رشت) - عربی: رشاد، حرا،



۷-۵ Lepidium sativum : شاخه گلدار (اندازه طبیعی) - گل عاری از پوشش
گیاهی یکساله به ارتفاع ۳۰ تا ۳۰ سانتیمتر و حتی بیشتر است. منشاء آن به منطقه وسیعی

از مصرف ثابت نسبت داده می‌شود. امروزه به علت مصارفی که در تغذیه دارد، در غالب نواحی پرورش می‌یابد. ترتیولک، از گیاهانی است که ضمن پرورش، دانه‌اش به نواحی مجاور انتقال یافته تدریجاً در طی مدت کوتاهی به فواصل دور از منطقه اصلی، نفوذ می‌یابد. برگ و ساقه آن، رنگ سبز روشن دارد. گل‌هایش صورتی روشن یا سفید است. میوه‌اش بیضوی مدور، به طول ۰ تا ۰۶ میلی‌متر، به عرض ۰ تا ۰۳ میلی‌متر و بطور محسوس بالدار است.

برگ و ساقه جوان آن در حالت تازه، طعم تند و مطبوع شبیه بولاغ اوتی دارد. گل‌های آن دارای عطر ملایم و مورد توجه زنبور عسل است.

ترکیبات شیمیائی - ترتیولک دارای گلوکزید سهمی به نام تروپولوزید tropéolozide است. این ماده بر اثر تجزیه، سنه‌ول بنز یلیک سnévol benzylique بوجود می‌آورد.

خواص درمانی - ترتیولک، اثر ضد اسکوربوت قوی دارد. به حالت خام در سالاد و یا با اغذیه به صورت سبزی خوردن مصرف می‌شود. به عنوان اشتها آور، مدر و تصفیه کننده خون بکار می‌رود. از شیر گیاه و یا خیسانده آن در شراب، به عنوان مدر در آب آوردن (Hydropisie)، خیز عمومی بدن و غیره استفاده بعمل آمده و نتیجه مفید حاصل شده است.

مصرف دانه آن به عنوان مقوی معده، خلط آور و قاعده آور توصیه شده است. از دانه آن در بعضی کشورها مانند حبشه، نوعی روغن استخراج می‌شود. ترتیولک، در نواحی مختلف ایران پرورش می‌یابد و چون به نحوی که ذکر شد، گیاهی است که از محیط کشت تدریجاً دور می‌گردد، از این نظر به حالت نیمه وحشی در اطراف آبادیها، کنار جاده‌ها و گودال‌های نواحی مختلف ایران مشاهده می‌شود.

طبق بررسی‌های جدید، چون مصرف ترتیولک، برقراری جریان خون را در شرائین قلب، به علت اثر بازکننده مجاری عروق (Vaso-dilat.) که دارد همواره تأمین می‌نماید، مصرف آن در آنزین صدری (Angine de poitrine) مفید تشخیص داده شده است (1). پرورش می‌یابد.

برای L. ruderale L. که در آذربایجان مانند حسن بیگلو در قره داغ می‌روید، اثر ضد اسکوربوت و نیرو دهنده ذکر شده است. مصرف آن در بعضی نواحی روسیه برای رفع تب تبویه معمول است.

دانه‌اش در فرسول بعضی از گردهای حشره کش وارد می‌شود. از نظر درمانی، مصرف آن چندان معمول نیست.

Lepidium latifolium L.

فرانسه : Grande passeraige , Chasseraige , Passeraige à larges feuilles

انگلیسی : Dittany , Pepperwort , Passeraige , Green mustard , Dittender

آلمانی : Senfkraut , Pfefferkraut ایتالیائی : Erba mostarda , Peperella

فارسی : سوچه - عربی: شیطرج، عصاب (ussâb)، مسواک الراعی

گیاهی علفی، دارای ریشه ضخیم، دراز، منشعب و ساقه‌ای به طول ۰.۵ سانتیمتر تا یک متر و حتی گاهی بیشتر است. در دشت‌های مرطوب، کنار مجاری آب و نواحی سایه دار تا ارتفاعات کم می‌روید. از مشخصات آن این است که برگ‌های بزرگ، بی کرک، بیضوی، نولک تیز و به رنگ سبز مایل به خاکستری دارد. گل‌های آن کوچک و متعدد و میوه‌اش خورجینک، با ظاهری بیضوی - مدور و به طول ۰.۲ میلی‌متر می‌باشد.

ترکیبات شیمیائی - دارای گلوکزید گوگرد دار، سیروزین، ماده‌ای به نام لپیدین lepidine و ویتامین‌های مختلف است.

خواص درمانی - از تاریخچه مصارف درمانی این گیاه و نمونه‌های دیگری که بدانها اشاره شد چنین استنباط می‌شود که از این گیاه و گونه‌های دیگر آن که Passeraige نامیده می‌شوند، در قرون قبل جهت درمان هاری استفاده می‌شده است ولی مطالعات مختلف، این ادعا را وارد ندانست زیرا مصرف آن هیچ گونه اثری در این مورد ندارد.

قسمتهای مختلف این گیاه دارای اثر ضد اسکوربوت، نیرو دهنده، مقوی، مدر و تصفیه کننده خون است.

در استعمال خارج اگر له شده آن بر روی زخم و جراحات قرار گیرد، اثر التیام دهنده ظاهر می‌نماید بعلاوه چون قرمز کننده پوست بدن است، به منظور ایجاد قرمزی در پوست و توجیه خون به نواحی سطحی بدن (rubéfiant)، در موارد سیاتیک، روماتیسم و دردهای عصبی از آن استفاده بعمل می‌آورند.

در مصارف داخلی، در رفع عوارض اسکوربوت، خنازیر، آب آوردن، اختلالات هضمی، حالات عصبی و هیستری توصیه گردیده است. جوشانده آن در استعمال خارج، سابقاً در بیماریهای پوستی مصرف داشته است ضمناً در طب عوام بطوریکه شهرت دارد از اعضای این گیاه جهت رفع ناراحتی‌های قلبی، ورم لثه دندان‌سنا کمبود یا فقدان ویتامین C و همچنین موارد مختلف دیگر استفاده درمانی بعمل می‌آید.

سابقاً برای جلوگیری از اثرات قوی گیاه در بدن که گاهی ناراحتی بوجود می‌آورد، له شده آنرا با کره مخلوط می‌نمودند و یا گیاه خشک شده را بصورت گرد درآورده سپس به مصارف درمانی می‌رسانیدند. مصرف آن امروز بطور کلی متروک شده است.

صورت دارویی - دم کرده . ۳ تا ۶ گرم برگ در یک لیتر آب یا ۱۰ تا ۳۰ گرم ریشه آن در یک لیتر آب به مقدار نصف فنجان و سه مرتبه در روز بکار می‌رود. شراب . ۳ تا ۶ در هزار آن به مقدار ۳ لیوان در روز و شیره تازه گیاه به مقدار ۶ تا ۱۲ گرم مصرف می‌شود. در استعمال خارج، از جوشانده . ۵ تا ۶ در هزار گیاه سابقاً به منظور تهیه لوسیونها و کمپرس، با تأثیر دادن آن به حالت گرم بر روی ناحیه دردناک بدن در سیاتیک، استفاده بعمل می‌آمده است .

محل رویش - این گیاه در غالب نواحی ایران پراکنده دارد. در منطقه البرز، اطراف کرج، جنوب شرقی ایران، کرمان، کوه لاله زار، لرستان، کوههای اراک، همدان، جنوب غربی ایران، آذربایجان و بالاخره در اکثر نواحی شمالی و شرقی ایران، مانند خراسان : بین شیروان و بجنورد، اطراف مشهد (احمدسهاون) و غیره می‌روید.

* *Lepidium campestre* R. Br.

فرانسه : Bourse de Judas ، Nasitort ، Passerage ، Moutarde sauvage

انگلیسی : Feldkresse ، Pepperwort Field cress ، Wild bastard cress

ایتالیائی : Mostarda salvatica

عربی : خردل فارسی، صباب بری، حرف السطوح

گیاهی کوچک، علفی، یکساله یا دوساله و دارای ساقه‌ای بارتفاع ۱۰ تا ۵۰ سانتیمتر است. در ایران نمی‌روید ولی در غالب نواحی اروپا پراکنده دارد. گل‌های کوچک سفید رنگ آن در طول محورهای با ظاهر خوشه مانند پدید می‌آید. از مشخصات آن اینست که ساقه‌اش دارای انشعابات متعدد و برگ‌دار است بنحوی که برگ‌ها، تمام طول ساقه را تقریباً بپوشانند. میوه‌اش خورجینک و دارای ظاهری فلس مانند است.

محل رویش آن بیشتر در مزارع، کنارجاده‌ها، اماکن بایر، دشت‌ها و حتی ارتفاعات نواحی مختلف اروپاست .

خواص دوفانی - سابقاً آنرا دارویی مؤثر جهت درمان هاری می‌دانستند و از این نظر، ارزش درمانی برای آن قائل بودند. کلیه قسمت‌های گیاه اثر مدروضد اسکوربوت دارد. دانه‌اش دارای طعم تند و اثر قابض و التیام دهنده زخمها و جراحات است. در ایران نمی‌روید.

ریشه متورم *L. Meyenii* Wal. * که در بلوی و پرو پرورش داده می‌شود. دارای

اندوخته هائی از مواد قندی است و در قسمت علیای فلات Gordillère و آندبه مصارف تغذیه می‌رسد (1).

Cardaria Draba (L.) Desv.

Lepidium Draba L.

فرانسه : Cranson dravier

انگلیسی : Hoary Cress

آلمانی : Pfeilkresse

عربی : حرف مشرقی (.... hurf)، قنبری (Qunâbarâ)



ش ۵۷ - الف : *Alyssum campestre* - گیاه کاسل - گل - میوه (بتول بغایری)

گیاهی علفی، پایا و دارای ریشه‌ای است که حالت خزنده در زمین دارد. در نواحی غیر سزوع، گودالها، کنار جاده‌ها و اماکن نظیر آن می‌روید. ساقه آن زاویه‌دار، با ارتفاع ۳۰ تا ۷۰ سانتیمتر و برگهای آن بیضوی، دنداندار و ساقه آغوش است. گل‌های کوچک و معطر آن، به تعداد زیاد در قسمت انتهائی ساقه ظاهر می‌گردد و این خود بهترین وسیله تشخیص آن است. خواص درمانی - دانه این گیاه طعم تند دارد و سابقاً به جای فلفل از آن استفاده بعمل می‌آمده است. جوشانده گیاه، اثر ملدرد دارد.

نوع موجود در ایران، یک گونه فرعی از این گیاه به نام Subsp. chalepensis (L.) O. E. Sch. است که در غالب نواحی شمالی پراکنده‌گی دارد.

از بیوه *Alyssum campestre* L. (قدومه)، پس از قرارداد آن در آب، لعابی خارج می‌گردد که به عنوان نرم کننده سینه، رفع درد گلو و گرفتگی صدا در ایران مصرف می‌شود. این گیاه در نواحی شمالی ایران، منطقه البرز، گیلان، آذربایجان، خراسان و همچنین در خرم‌آباد و اراک می‌روید.

* *Cochlearia officinalis* L.

C. oblongifolia DC. ، *C. renifolia* Stokes

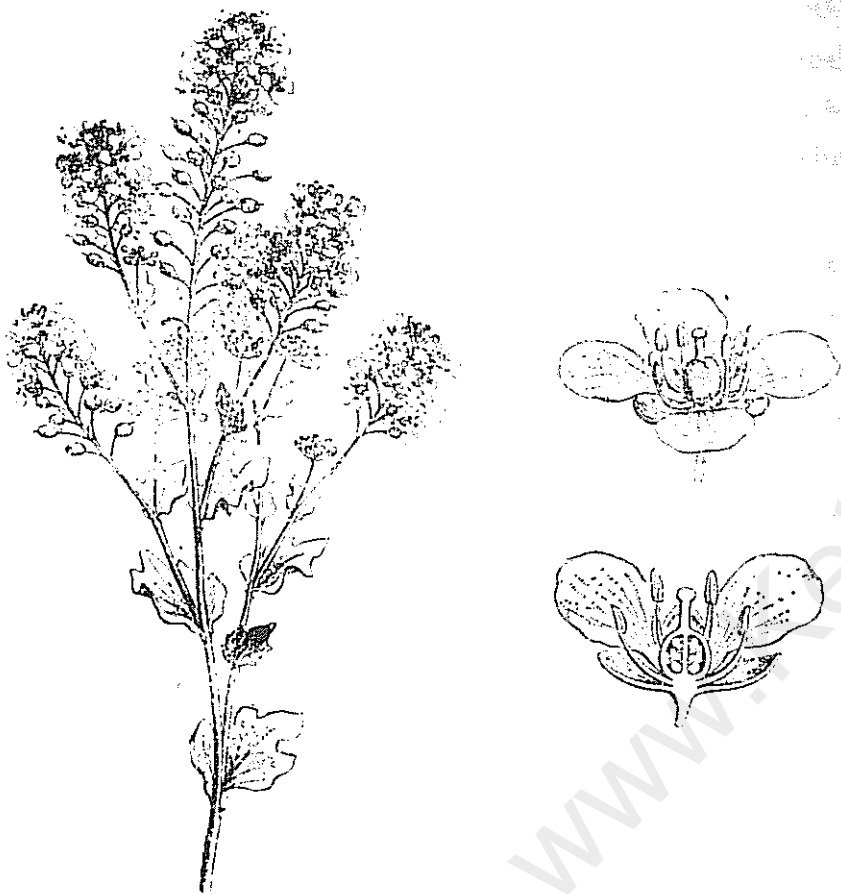
فرانسه : Cochléaire ، Herbe aux cuillères ، *C. officinale* ، Cranson
انگلیسی : Scurvy - grass ، Spoon - wort
ایتالیائی : *Cochlearia* ، *Erba a cucchiaino* ، Green - Erba - عربی : حشيشة الملاعق

گیاهی کوچک، علفی، دو ساله، به ارتفاع ۱۰ تا ۳۰ سانتیمتر و دارای شاخه‌های منشعب از قاعده ساقه است. از مشخصات آن این است که برگهای قاعده آن، دمبرگ دراز و وضع گسترده بر روی زمین دارد. ریشه آن دو کی شکل، به ضخامت یک سانتیمتر و ساقه آن زاویه‌دار است. در طول ساقه آن، برگهایی عاری از دمبرگ، صاف، شفاف، کمی گوشتدار و به رنگ سبز تیره دیده می‌شود. گل‌های آن به رنگ سفید مجتمع به صورت خوشه و میوه اش خورجینک و محتوی دانه‌های کوچک به رنگ قهوه‌ای روشن است. این گیاه با آنکه به حالت وحشی در منطقه وسیعی از نواحی معتدله اروپا، اختصاصاً در کنار چشمه‌سارها، کنار رودخانه‌ها، سواحل دریاها و غیره می‌روید، معهداً چون گیاهی دارویی است، غالباً اقدام به پرورش آن می‌گردد.

برگ و ساقه این گیاه اگر در بین انگلستان فشرده شود، به علت بوجود آمدن اسانس، بوی تحریک کننده‌ای ایجاد می‌گردد که موجب عطسه و جریان اشک می‌شود.

قسمت مورد استفاده این گیاه، کلیه اندامهای آن است.

ترکیبات شیمیائی - تمام گیاه، حتی ریشه و دانه آن، دارای مواد زربنی، پکتیکی، بیروژین و گلوکزیدی است که اگر هیدرولیز شود، اسانسی مرکب از سنهول ایزوبوتیلیک *sénévol isobutilique* به مقدار ۸۷ تا ۹۸ درصدی دهد. ماده اخیر همراه با مقادیر کمی از سنهول-بنزیلیک و لیمونن می‌باشد. یا آنکه این گیاه اثر ضد اسکوربوت قوی دارد، وجود ویتامین C در آن ذکر نشده است.



ش ۵۸ - *Cochlearia officinalis* شاخه گلدار - گل و برش قائم آن (در زیر زمین)

خواص درمانی - ضد اسکوربوت بسیار قوی، محرک و ملدرد است. مصرف آن مخلوط در سالاد برای رفع عوارض اسکوربوت بکار می‌رود. دارای خواص دیگری نظیر تقویت معده و بطور کلی تقویت اعمال هضم بوده ترشح ادرار و عرق راز زیاد می‌کند. با این عمل یک داروی تصفیه کننده خون بحساب می‌آید. مصرف آن موجب سی‌گرد که زرداب ترشح شود و جریان آن به روده